

غیرتی خلخالی

اشعار، اسناد و منتخب لطایف الطوائف

۴۰۰ ورند - د اعظم آقا عظیمی

زمستان ۱۳۹۸

غیرتی خلخال
اشعار، اسناد و منتخب لطایف الطوائف
گردآورنده: سیداعظم آقا عظیمی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸
۲۴۰۰۰ تومان



انتشارات امیدصبا

پهران، میدان هفت تیر، خیابان کریم خان زند، شماره ۲۷
کدپستی: ۱۵۸۵۹۱۸۵۱۱
تلفن: ۸۸۸۳۳۷۱۱
همه حقوق چاپ و نشر این اثر انحصاراً برای ناشر محفوظ است

سرشناسه: حسینی خلخال، سیدعبدالمظفر، ۱۳۲۵
عنوان و نام پدیدآور: غیرتی خلخال؛ اشعار، اسناد و منتخب لطایف الطوائف / گردآورنده سیداعظم آقا عظیمی
مشخصات نشر: تهران: انتشارات امیدصبا، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری: ۱۳۹ ص.
فروست: مطالعات ادبیات کلاسیک؛ ۲
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۹-۹۹-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: اشعار کلاسیک فارسی؛ ۱
موضوع: 19th century--persian poetry
شناسه افزوده: عظیمی، سیداعظم آقا، ۱۳۱۰ - گردآورنده
Azimi, Azam Agha
رده بندی کنگر: PIR ۶۹۸۷ / ۷
رده بندی دیویی: ۸۱۶/۵
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۱۷۵۳۳

۹	مقدمه‌ی گردآورنده
۱۹	اشعار غزلیات فارسی و ترکی و قصاید و رباعیات
۲۱	غزلیات
۲۱	طبیانه بیا
۲۱	شعرین
۲۲	نقش بیان
۲۲	رشد
۲۳	سری د از
۲۴	بار عشق
۲۵	آتشین رخسار
۲۵	وصف نگار
۲۶	نغمه‌ی تار یار
۲۷	آب کوثر
۲۹	گلستان
۳۰	خانه‌ی عبرت
۳۱	غزل ترکی آذربایجانی
۳۲	غزل ترکی آذربایجانی
۳۴	قصاید
۳۷	گل خندان
۳۵	قدرت دادار
۳۷	بزم منور
۳۸	جلوه‌ی مستانه
۳۹	ابرکرم
۳۹	خانه‌ی دل
۴۱	رباعی‌ها

۴۳	منتخب لطایف الطوائف
۴۵	در بیان استحباب مزاج
۵۰	[در حکایات لطیفه‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم السلام]
۵۵	در لطایف حکما
۵۷	در معالجات اطبا
۵۹	در معالجه‌ی اطبا به طریق ظرافت
۶۰	در لطایف و احکام عجیبه‌ی منجمان
۶۱	در تعبیر معتبران
۶۶	در لطایف شعرا نسبت به سلاطین
۷۰	در بدیهه گفتن شعرا در حضور سلاطین
۷۷	در بدیهه‌گویی شعرا با یکدیگر
۸۰	در اطایف ظریفان نسبت به سلاطین
۸۸	در اطایف ظریفان نسبت به علما و قضات
۸۹	در انداز
۹۰	در آئین بزرگان
۹۰	در مرحمت و شفقت پادشاهان بر فقیران
۹۵	استاد

مقدمه‌ی گردآورنده

در بهمن‌ماه ۱۳۱۰ در خانواده‌ای اهل علم و تقوا در قریه‌ی گهراز^۱ از توابع شهرستان رستم خلخال^۲ چشم به جهان گشودم. سال‌های نخستین زندگی، فراگیری تحصیلات مقدماتی و ابتدایی سپری شد و در این میان از معضرت^۳ (آیت‌الله سیدبرهان عظیمی خلخالی)^۴ که خود از علما

۱. روستای گهراز از روستاهای بخش خوش‌رستم شهرستان خلخال و در جنوبی‌ترین قسمت استان اردبیل واقع شده است. بیشتر اهالی این روستا از سادات هاشمی هستند.

۲. بخش خوزش رستم (۴۰ کیلومتر جنبه خلخال)، یکی از بخش‌های تابعه‌ی شهرستان خلخال در استان اردبیل و به مرکزیت شهر هشجین است.

۳. مرحوم آیت‌الله سیدبرهان عظیمی خلخالی، فرزند سیدسبقت در سال ۱۳۱۶ قمری (۱۲۷۷ شمسی) در قریه‌ی گهراز خلخال متولد شد. مادر ایشان حجوبه خانم، صبیبه‌ی محترم سیدعبدالعظیم (صاحب اثر حاضر) است. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در خلخال برای فراگیری فقه و اصول به زنجان عزیمت کرد و مدتی در نزد علمای این شهر به خصوص آیت‌الله شیخ فیاض زنجان و آیت‌الله شیخ عبدالرحیم زنجان تلمذ کرد. سیدبرهان سپس جهت تکمیل تحصیلات و بهره‌گیری از علمای بزرگ عالم تشیع رهسپار نجف اشرف شد. به مندی از محضر آیات عظام حضرت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله محمد بن غری نائینی (علامه‌ی نایینی) موجب گردید، شش سال اقامت در نجف اشرف توشه‌ای عالی تحصیل و کمالات برای ایشان فراهم سازد و آوازه‌ی دانش و فضل و اخلاق وی تا زادگاهش برسد، تا بدان

که اصرار و درخواست اهالی وی را وادار به مراجعت به خلخال کرد. آیت‌الله سیدبرهان، پس از بازگشت اهتمام بسیار مصروف ترویج احکام شرعیه در این شهر نمود. مجاهدات وی در دفاع از حریم شرع مقدس در منطقه زبانزد است؛ از جمله پس از اعلام موجودیت حزب توده در سال ۱۳۲۴ شمسی تلاش بسیاری در افشای ماهیت این حزب داشت و در منابر و مجالس بسیاری به وعظ و سخنرانی می‌پرداخت. ایشان از آیات عظام نجف‌اشرف مانند آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین غروی و علمای زنجان مانند آیت‌الله شیخ فیاض زنجان و

و فضلالی بنام زمانه بود، بهره‌های بسیار بردم؛ کلام وحی و آثاری گرانسنگ چون گلستان و بوستان را در جوار ایشان آموختم. سال ۱۳۲۷ رهسپار زنجان شدم تا کسب علوم و معارف دینی و حوزوی را به گونه‌ای جدی پیشه سازم. آن زمان، زنجان را در علوم حوزوی، رونقی بسیار بود و حوزه‌ی علمیه‌ی این شهر به واسطه‌ی وجود علمای بنام، متقی و فاضل، در زمره‌ی مهم‌ترین حوزه‌های کسب معارف دینی به شمار می‌آمد. در این ایام به شکرانه‌ی توانایی ایام شباب و نعمت صحت مدام، مساعی خویش را مصروف حضور مسافر و ملحد در محضر استادان مبرزی چون آیت‌الله سیدعزالدین، امام جمعه، متول مدرسه‌ی سید زنجان و آیت‌الله حاج شیخ یحیی معروف به مدرس زنجان ملا ابراهیم نحوی، مدرس شرح جامی ساختم. اقامت در زنجان پنج سال به طول انجامید و پس از آن جهت تکمیل تحصیلات دینی به مدت ۸ سال در قم راه امت افکندم. حاصل این ایام حضور در درس بزرگان حوزه‌ی علمیه هم بهره‌ی وافردانش بی‌پایان علمای این حوزه بود. سال‌های مذکور به آموختن کتاب‌های مطول در علم معانی و بیان و بدیع نزد آقا میرزا ابوالفضل سرابی، شرح لمعتی در فضیلت سید جواد تبریزی و آقا میرزا باقر مرنندی، قوانین و رسائل و مکاتب در محضر آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، شرح منظومه‌ی سبزواری در نزد آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی، اسفار و خارج اوامر نزد علامه طباطبائی و تفسیر المیزان، کفایه الاصول در محضر آیت‌الله مجاهد تبریزی، خارج مکاتب و مرمه تابع

عبدالرحیم زنجانی اجازه‌نامه‌ی شرعیه دارد (در تمامی این اجازه‌نامه‌ها، از سوی علمای مذکور با نام «سیدبرهان‌الدین» مورد خطاب قرار گرفته است.) همچنین آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی و آیت‌الله محمدحسین غروی نائینی و ایضاً مرحوم آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه‌ی مقدس قم، به فقاقت سید برهان‌الدین صحه نهاده‌اند.

آیت‌الله سیدبرهان خلخالی در ۲۱ خردادماه سال ۱۳۳۸ شمسی دعوت حق را لبیک گفت و در زادگاهش به خاک سپرده شد. اکثر اسناد خاندان و همچنین آثار و دست‌نوشته‌های سید عبدالعظیم (پدر بزرگ مادری) از سوی ایشان در اختیار سیدبرهان قرار گرفته و این امر بیانگر مورد وثوق بودن مرحوم سیدبرهان نزد پدر بزرگ فاضل خویش است.

فضولی و مباحث عقلیه و عملیه تا مبحث تعادل و تراجیح، در نزد حضرت آیت الله امام خمینی (ره)، خارج زکات و خمس و حج نزد آیت الله داماد، طی شد. در سال ۱۳۳۸ سرانجام پس از کسب مدارج علمی به زادگاهم گهراز مراجعت کردم.

مقارن با مراجعت به خلخال در تاریخ ۱۳۳۸/۳/۲۱ خورشیدی، پدر (سیدبرهان) که از نخستین سردفتران ازدواج و طلاق منطقه خلخال محسوب می‌شد به دیار باقی شتافت و بنا به عرف خانواده علاوه بر تمامی منادار مدارک مربوط به خاندان پدری، شغل ایشان نیز به اینجانب منتقل شد و عهده‌دار سردفتری ازدواج و طلاق گردیدم.

در کنار اشتغال و تأمین معیشت خانواده و تلاش برای کسب روزی حلال که در شرع مقدس اسلام کمتر از مجاهدت ذکر نگردیده است، همواره گوشه‌چشمی به تحصیل علم، به خصوص علوم و دانش حوزوی داشته‌ام؛ از این رهگذر به تألیف یک جلد تقریرات امام خمینی (ره) و تحریر دو جلد مجموعه سخنرانی‌های خویشتن اقام کردم، که تا کنون به زیور طبع آراسته نشده است. همچنین به مدت ۶ سال ابلاغ رسمی مدیریت وقت حوزه علمیه قم به تدریس شرح لمعه در حوزه علمیه خلخال پرداخته‌ام. سالهای مدیدی مفتخر به نمایندگی از مراجع عظام تقلید آیت الله میلانی، آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله کرم میرازی، آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی و آیت الله مرعشی نجفی، عهده‌دار کسب وجوهات شرعیه در منطقه‌ی خلخال از طرف ایشان بوده‌ام.

در کنار اشتغال و پرداختن به علایق علمی و حوزوی با توجه به ظاهر و باطنی موجود در منطقه، انجام فعالیت‌هایی نظیر مشارکت در امور پشتیبانی و تبلیغی طی سال‌های دفاع مقدس و همچنین فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و عمرانی طی مراحل مختلف عمر، از دلمشغولی‌های عمده‌ی اینجانب بوده

۱. سیدبرهان از سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۸ هجری شمسی سردفتر ازدواج و طلاق شهرستان خلخال بوده است.

است. پروردگار سبحان را شاکرم که عمرو توانی بخشید تا به ساخت مسجد علی ابن ابی طالب (ع) شهرستان خلخال و مساجد روستاهای خوشنامه، اسمرود، گلیجان و قزل درق این شهر، اهتمام ورزم؛ باشد که در پرتو عنایات بی حصر و رحمت و اسعش، اندوخته‌ی اخروی، هر چند اندک، نصیب این بنده‌ی سراپا تقصیر گردد؛ و اما گردآوری و انتشار اثر حاضر، دغدغه‌ای مدام از ایام جوانی است و جای بسی تأسف که اشتغال به تحصیل و امرار معاش، سالیان سال مرا از انجام آن بازداشته بود. سپاس بیکران پروردگار عالمیان را که در ایام سال خورده‌گی توفیقی عنایت فرمود که به این مهم همت گمارم و مختصری از دین خود را نسبت به جد بزرگوار و فرهیخته‌ام، سید عبدالعظیم که عالمی، ضابط و جلیل‌القدر از سلاله‌ی پاک پیامبر ختمی مرتبت (ص) بودند ادا کنم.

بنابه زندگینامه‌ی «دانش» و مختصری که از سید عبدالعظیم (شعبان ۱۲۶۲ - نوزدهم ربیع الثانی ۱۳۲۶ ق/ری / مرداد ۱۲۲۵ - تیر ۱۲۹۷ شمسی) باقی است، ایشان در زمره‌ی سادات حسینی خلخال به شمار آمده و فرزند سید ابوالقاسم بن میرعلی اصغر بن محمد مؤمن است و نسبش با سی و سه واسطه به حضرت زین العابدین، علی بن سیرین، علی بن عمار، علیهم السلام می‌رسد. توصیف یا به عبارتی اعتراف ایشان از جریانی خریش حکایت از گرایش وی به سه‌گانه‌ی مطبوع ایام شباب، یعنی «رغب» به طرب مصاحبت با دوستان و تمایل به زنان شیرین شمایل» دارد. سید عبدالعظیم نقاشی می‌کند که در جوانی شیفته و فریفته‌ی جمال زنی گردید و در «دام کسری» متکین فام» او گرفتار آمد. دل‌باختگی آن ایام، جز انفصال از خاندان و اقوام و بیگانه ساختن اصحاب دیرین، حاصلی برای سید در پی نداشت و البته که این عشق را دوامی نبود و سرانجام، طلاق موجب رهایی وی از آن شد؛ که اگر

۱. مطالب نقل شده در خصوص شرح حال سید عبدالعظیم که در مقدمه گردآورنده به طور مستقیم نقل شده، مربوط به یادداشت‌های خودنگاشته‌ی ایشان است. به سند نخست مندرج در صفحه ۹۷ کتاب حاضر رجوع شود.

عشق را حاصلی جز اعتلای عاشق باشد، بر بیهودگی آن تردید روا نیست. سید عبدالعظیم پس از آن، شیوه و طریقتی نوین در زندگی پیشه ساخت و در سنه‌ی ۱۲۹۹ قمری به زیارت عتبات عالیات مشرف شد. به نقل از نگاشته‌های ایشان، در آن ایام «زبدۃ العتاق، عارج معارج عرفان جنت مکان، اسکندر خان بن عبدالله خان پاک فطرت و گرجی نسبت»، در قریه‌ی گهر از که از قرای خلخال است، سکنی داشت و مخارج و زاد سفر سید عبدالعظیم «در قبط»ی کفایت و حمایت» وی فراهم آمد.

در حرم سید عبدالعظیم طی دوره‌ی اقامت در نجف اشرف «درک فیوضات بلانهایات» حضرت بابر باه‌النور قطب العارفین و قدوة الواصلین و زبدۃ المتألهین حاج محمد ابراهیم خان سیاهپوش^۱ نموده، به مجرد وصول، مشمول عنایات کامل گردید. وی «مقام ازیت را بر بام دل افراشته و نقش محبت بر لوح دل ارادت منزل نگاشت». مدت یک ماه در نجف اشرف اقامت داشت؛ در حضور مبارک به سبب مزید ارادت، گری سفت از همگنان روده، پس به اجازه‌ی جناب مستطاب با رفقا به خلخال معادلت نموده است. پس از یکسال، از نو، زاد سفر را ساز و به عزم زیارت عالیات عرش درجات آغاز و در دارالسلام بغداد به «درک فیوضات بلانهایات» حضور باهرالنور حضرت مولانای مذکور که منتهای آمال طالبین بود و «بند اقامت داشتند نایل گردیده است. الطاف و عنایات کامل از جناب مولانا دیده. سه ماه در بغداد مانده و فرمایش‌های بسیار از لب گهربارش که لالی «مقامی انواع کشف و کرامات در هر لفظش مندرج بود، دیده و شنیده، بعد از سه ماه به اجازه و رخصت حضرت مولانا معاودت و مراجعت نموده و به مجرد ورود به خلخال قضیه‌ی رحلت جناب قطب الاقطاب که در شهر شعبان المعظم اتفاق افتاد، متاد در سنه ۱۳۰۱ قمری استماع افتاد.»

مشهور است که سید عبدالعظیم «از علم قال بهره نداشته و مؤانست

۱. به رغم تلاش انجام شده توسط گردآورندگان برای به دست آوردن اطلاعاتی در خصوص زندگی این عارف، مطلبی حاصل نیامد.